

جنسیت و دینداری^۱

فاطمه مدیری، دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران*

تقی آزاد ارمکی، استاد گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

چکیده

در تبیین علل دینداری بیشتر زنان نسبت به مردان، کالت^۲ با ترکیب تئوری ریسک‌گریزی و تئوری قدرت^۳ کنترل، دینداری زنان را به اقتدار پدر سالارانه یا برابر طلبانه در خانواده ایشان مربوط می‌کند. از طرف دیگر علی‌رغم تحقیقات گوناگون که یافته دینداری بیشتر زنان نسبت به مردان را تأیید می‌کند، لوونتال معتقد است که این یافته در همه جوامع و فرهنگ‌ها و مذاهب مشاهده نمی‌شود و تفاوت‌هایی در این زمینه وجود دارد. ما در این مقاله برآنیم که به آزمون این فرضیه‌ها پرداخته، به این سؤال‌ها پاسخ دهیم که آیا در ایرانیان زنان از مردان دیندارترند؟ آیا در مذاهب و ادیان ایرانی این یافته تأیید می‌شود؟ آیا زنانی که در خانواده‌های با نفوذ بیشتر پدر زندگی می‌کنند، دیندارترند؟ برای پاسخگویی به این سؤال‌ها پیمایش ملی ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی ایرانیان با ابزار پرسشنامه و نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای اجرا شده است و نتایج تحقیق نشان می‌دهد: ۱- در ایرانیان تفاوت‌های جنسیتی در دینداری به نفع زنان است؛ ۲- تفاوت‌های جنسیتی در دینداری در سنی‌ها بیشتر از شیعه‌هاست، اما در میان مسیحیان به چشم نمی‌خورد؛ ۳- در زنانی که در خانواده‌های با نفوذ بیشتر پدر زندگی می‌کنند، دینداری بیشتری به چشم نمی‌خورد. **واژه‌های کلیدی:** دینداری، تفاوت‌های جنسیتی، مذهب، جنسیت.

^۱ این مقاله مستخرج از طرح پیمایش ملی ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی ایرانیان است که در سال ۱۳۸۳ در مرکز مطالعات دانشگاه تهران انجام شده و

نویسندگان مقاله به ترتیب همکار اصلی و مجری طرح بوده‌اند

* نویسنده مسؤول: ۰۹۱۲۲۳۰۲۴۸۳

مقدمه و بیان مسأله

همواره نقش دین و تأثیر بسزای آن در ابعاد مختلف زندگی انسان‌ها مورد توجه صاحب‌نظران حوزه جامعه‌شناسی دین بوده و این موضوع را در تحقیقات مختلف می‌توان مشاهده نمود؛ چنانکه همیلتون (۱۳۸۱)؛ کوزر (۱۳۸۰)؛ سراج زاده (به نقل از سراج زاده، ۱۳۸۷) و ابراهیمی (۱۳۹۰) نشان داده‌اند که ارزش‌ها و باورهای دینی با افزایش نظم و کاهش آنومی و بزهکاری همراه است. مالبای^۱ (۱۹۹۸)، هومر، راگرس و نام^۲ (۱۹۹۹)، به نقل از مک کارتنی^۳، (۲۰۰۲: ۱) نشان داده‌اند که در افراد با دینداری بیشتر اضطراب، افسردگی و مرگ و میر کمتر مشاهده می‌شود. کال و هیتون^۴ (۱۹۹۷)، هانلر و گنچوز^۵ (۲۰۰۵)، ماهونی^۶ (۲۰۰۵)، سولیوان^۷ (۲۰۰۱) و خدایاری فرد، (به نقل از خدایاری فرد، ۱۳۸۶) نشان داده‌اند کیفیت روابط زناشویی و میزان رضایت زناشویی در افراد دیندار بالاتر است. اباق و هانی^۸ (۱۹۷۸)، جلن^۹ (۱۹۸۴)، اسپیسر^{۱۰} (۱۹۹۴)، شپیز و سیلک^{۱۱} (۱۹۹۸)، شپیز (۲۰۰۲)، کلی و گراف^{۱۲} (۱۹۹۷: ۶۵۴)؛ به نقل از شپیز، ۲۰۰۲: ۱۵۸) و آزادارمکی، ۱۳۹۰ به این نتیجه رسیده‌اند که پابندی به ارزش‌های اخلاقی در افراد دیندار بیشتر است. این محققان هر کدام کوشیده‌اند به نوعی تأثیرات دینداری بر جوانب گوناگون زندگی افراد را به تصویر بکشند، اما در میان تحقیقات جامعه‌شناسی دین با این وسعت و بخصوص در تحقیقات داخلی بررسی تفاوت‌های جنسیتی در دینداری، تبیین علل آن و عوامل مؤثر بر آن، معمولاً مغفول

مانده و گاهی یافته‌های متناقض نیز در تحقیقات انجام شده در این زمینه به چشم می‌خورد. اگرچه در بیان تفاوت‌های جنسیتی همگونی بیشتری به چشم می‌خورد، اما در بیان علل این تفاوت‌ها عقاید متفاوت و بعضاً متناقض است. به طور کلی، در تحقیقات مختلف علل تفاوت‌های جنسیتی در دینداری در سه رویکرد فیزیولوژی متفاوت زنان و مردان، ساختار اجتماعی، جامعه‌پذیری متفاوت افراد نشان داده شده است. کرنوال^{۱۳} (۱۹۸۹)، ووس (۱۹۸۴)، ووس و آلیستر^{۱۴} (۱۹۸۷) علت این تفاوت‌ها را به جایگاه ساختاری نسبت می‌دهند (به نقل از لوونتا، ۲۰۰۱)؛ تامپسون^{۱۵} (۱۹۹۱) آن را به جهت گیری‌های جنسیتی (همان)، لویت^{۱۶} (۱۹۹۵) آن را به جامعه‌پذیری نقش‌های جنسیتی (همان) و والتر^{۱۷} (۱۹۹۰) به تفاوت‌های شخصیتی (همان) نسبت می‌دهند و میلر و استارک^{۱۸} (۲۰۰۲) آن را با توجه به تئوری گریز ریسک توجیه می‌کنند (همان).

به سبب اهمیت موضوع و تأثیر دینداری بر زوایای مختلف زندگی انسان‌ها و به علت وجود تحقیقات مختصر و محدود و یافته‌های متناقض و متفاوت و همچنین، به علت نقش محوری زنان در خانواده و کاربردی و راهبردی بودن نتایج این تحقیقات، بررسی تفاوت‌های جنسیتی در دینداری و علل تفاوت‌ها در این مقوله مهم بوده و پرسش‌های اساسی این تحقیق را موجب شده است. آیا در جامعه ما دینداری در میان زنان و مردان یکسان است یا در این زمینه تفاوت‌هایی وجود دارد؟ آیا بررسی میان مذاهب و ادیان، تفاوت‌های جنسیتی در دینداری را نشان می‌دهد؟ آیا ساختار قدرت در خانواده می‌تواند دینداری بیشتر زنان نسبت به مردان را تبیین کند؟

¹³ Cornwall¹⁴ Vaus & MC Allister¹⁵ Thompson¹⁶ Levitt¹⁷ Walter¹⁸ Miller & Stark¹ Maltby² Hummer, Rogers & Nam³ Mc McCartney⁴ Call & Heaton⁵ Hunler & Gencoz⁶ Mahoney⁷ Sullivan⁸ Ebaugh & Haney⁹ Jelen¹⁰ Spicer¹¹ Scheepers & Van Der Silk¹² Kelley & De Graaf

مردان دارند. زنان هندو بیش از مردان به بیشتر بودن معابد اعتقاد دارند و احتمالاً مردان مسلمان و یهودی فعالیت‌های دینی بیشتری از زنان دارند و این امر در میان مسیحیان و هندوها برعکس است. به گفته لوونتال، این تفاوت‌ها ما را هدایت می‌کند به اینکه تأثیرات متفاوت جنسیتی را میان مسیحیان، مسلمانان و یهودیان انتظار داشته باشیم. لوونتال از بررسی تجربی خود نتیجه می‌گیرد اگرچه به طور کلی زنان از مردان دیندارترند، اما فعالیت‌های دینی کمتری نسبت به مردان دارند، در مسیحیان زنان از مردان دیندارترند و در هندوها، مسلمانان و یهودیان مردان از زنان دیندارترند. لوونتال این تفاوت‌ها را به سنت‌ها و هنجارهای فرهنگی این ادیان ربط می‌دهد و بنابراین، دیندار بودن زنان نسبت به مردان را به عنوان قاعده‌ای کلی نفی می‌کند (لوونتال^۸، ۲۰۰۱). سولینوس^۹ یافته‌های متناقض با بسیاری از تحقیقات تحقیقات را نشان می‌دهد و آن گویای دیندارتر بودن مردان است (سولینوس، ۲۰۰۶).

در بیان علل تفاوت‌های جنسیتی نیز نتایج تحقیقات متفاوت است: برخی آن را به جایگاه ساختاری (کرنوال^{۱۰}، ۱۹۸۹؛ ووس، ۱۹۸۴؛ ووس و آلیستر^{۱۱}، ۱۹۸۷) برخی به جهت‌گیری‌های جنسیتی (تامپسون^{۱۲}، ۱۹۹۱) برخی به جامعه‌پذیری نقش‌های جنسیتی (لویت^{۱۳}، ۱۹۹۵) برخی به تفاوت‌های شخصیتی (والتر^{۱۴}، ۱۹۹۰) و برخی به تئوری گریز ریسک (میلر و استارک^{۱۵}، ۲۰۰۲) نسبت می‌دهند (لوونتال، ۲۰۰۱: ۱۳۸). بیت هالامی و آرگیل این تفاوت‌ها را به شخصیت‌ها و تفاوت‌های اجتماعی یا تفاوت در موقعیت شغلی افراد نسبت می‌دهند (همان). میلرواستارک معتقدند این تفاوت

در این مقاله و برای بررسی این موضوع، پس از مروری بر رویکردهای نظری و تحقیقات تجربی در ایران و خارج از کشور، به یافته‌های توصیفی حاصل از پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان و سپس به تحلیل رابطه میان جنسیت و دینداری خواهیم پرداخت.

بنیان نظری و مبانی تجربی

علی‌رغم تحقیقات متعددی که نشان دهنده دیندارتر بودن زنان نسبت به مردان در برپاداشتن عبادات، فعالیت‌های مذهبی و اعتقادات دینی است (آرگیل و بیت هالامی^۱، ۱۹۷۵؛ بتسن، شونراد و ونیز^۲، ۱۹۹۳؛ بیت هالامی و آرگیل، ۱۹۹۷؛ براون^۳، ۱۹۸۷؛ فرنسیس^۴، ۱۹۹۳؛ پالوتزیان^۵، ۱۹۹۶؛ به نقل از لوونتال، ۲۰۰۱: ۱۳۳، مک کارتی^۶، ۲۰۰۲: ۱) لوونتال معتقد است که این تفاوت‌ها بسته به فرهنگ و سنت هر دین است. او معتقد است سنت‌های مذهبی در هر دین یا مذهب میان زنان و مردان در تعهدات و وظایف دینی مانند نماز خواندن و ... تفاوت‌هایی ایجاد می‌کند؛ آنچنان که مثلاً اسلام و یهود در برخی از جنبه‌ها تعهدات دینی کمتری برای زنان نسبت به مردان قائل‌اند. برای مثال، یهود بر نماز گزاردن زنان با جماعت تأکید ندارد و زنان مسلمان در دوران قاعدگی^۷ خود نمی‌توانند به مسجد داخل شوند. بنابراین، انتظار می‌رود زنان در این ادیان به مکان عبادت خود توجه کمتری داشته باشند و در برخی فعالیت‌های مذهبی، زنان یهود و مسلمان ممکن است کمتر از مردان ظاهر شوند. بر خلاف ایشان، در نمونه‌های مورد مطالعه در مسیحیان و هندوها زنان فعالیت‌های دینی بیشتری نسبت به

⁸ Loewenthal

⁹ Sullinus

¹⁰ Cornwall

¹¹ Vaus & MC Allister

¹² Thompson

¹³ Levitt

¹⁴ Walter

¹⁵ Miller & Stark

¹ Argyle & Beit ° Hallahmi

² Batson , Schoenrade & Ventis

³ Brown

⁴ Francis

⁵ Paloutzian

⁶ Mc McCartney

⁷ Menstruation

حساسیت بیشتری از خود در این زمینه نشان می‌دهند. زنان با مادران طبقه اجتماعی بالاتر دینداری کمتری نسبت به زنان با مادران طبقه اجتماعی پایین‌تر دارند و همچنین، پایگاه اقتصادی اجتماعی پدر و پایگاه اقتصادی اجتماعی مادر تأثیرات کمتری بر دینداری مردان دارد (کالت، ۲۰۰۲: ۲).

در تحقیقات داخلی، همان‌طور که گفته شد، بررسی جنسیتی دینداری در حوزه جامعه‌شناسی دین مغفول مانده و عمدتاً در تحقیقات ذکر نشده یا به عنوان یافته فرعی ذکر شده است. در ردیابی تحقیقات داخلی اندک تحقیقی به چشم می‌خورد؛ برای مثال، در گزارشی از پژوهش قربانعلی ابراهیمی با عنوان دینداری و بزهکاری جوانان در ۱۰ استان، وضعیت دینداری جوانان ایرانی خوب ارزیابی شده و با اینکه بعد اعتقادی دینداری جوانان بالاست و در بعد مناسکی (مثل نماز، روزه و...) این میزان کم است و البته، در میان جوانان به مناسک جمعی کمتر از مناسک فردی توجه می‌شود، اما در مجموع وضعیت دینداری مطلوب ارزیابی شده است. این پژوهشگر در مورد وضعیت دینداری در میان جوانان چنین گزارش داده است: دینداری دختران بیش از پسران است و افراد متأهل بیش از افراد مجرد و افراد مجرد بیش از افرادی که متارکه کرده‌اند، دیندار هستند. او سپس به ارائه گزارش وضعیت بزهکاری جوانان و نسبت آن با دین در ۱۰ استان کشور پرداخته است (ابراهیمی، ۱۳۹۰).

غلامعباس توسلی در مقاله بررسی سطح دینداری و گرایش‌های دینی آورده است: جنسیت بر متغیر دینداری تأثیرگذار است؛ به شکلی که باور دینی و پایبندی به اعمال فردی در بین دانشجویان دختر بیش از پسر است، در تکثرگرایی در دین تفاوتی میان دانشجویان دختر و پسر نیست، اما گرایش دختران به دین خصوصی و برخورد گزینشی با دین در بین آنها کمتر از پسران است (توسلی، ۱۳۸۵: ۱۱۱).

جنسیتی منشأ فیزیولوژیک داشته، ناشی از اولویت ریسک است (میلر و استارک، ۲۰۰۲ به نقل از کالت، ۲۰۰۲: ۱)؛ بر این اساس، میلر و استارک نشان می‌دهند که مردان به خاطر اولویت ریسک خود بیشتر به رفتارهای با ریسک بالا روی می‌آورند (همان: ۲) و بنابراین، زنان به خاطر ریسک‌گریزی‌شان که فیزیولوژیک است، بیشتر دیندارند.

کالت با بسط تئوری کنترل^۱ قدرت هاگان و کالگوس^۱ و پذیرفتن اولویت ریسک میلر و استارک معتقد معتقد است که این تفاوت‌ها منشأ اجتماعی داشته و بدین شیوه تفاوت جنسیتی در دینداری را تبیین کرده‌است. هسته اصلی این تئوری که اساساً در جرم‌شناسی برای توضیح تفاوت‌های جنسیتی شکل گرفته است، تفاوت کنترل اجتماعی دختران و پسران در خانواده است. در زمینه پدرسالاری پسران به احتمال زیاد با تشویق به رفتارهای پرخطر، بیشتر به این نوع رفتارها متمایل می‌شوند و دختران با محدودیت به سمت کنترل رفتارهای پرخطر؛ اما در خانواده‌های برابرطلب این اختلاف جنسیتی کمتر وجود دارد. مطابق این تئوری، خانواده‌های پدرسالار یا برابرطلب با رفتارهای متفاوت، موجب جامعه‌پذیری جنسیتی متفاوت در کودکی شده که تا بزرگسالی ادامه می‌یابد و از آنجا که رفتار دختران در خانواده‌های پدرسالار بیش از خانواده‌های برابرطلب کنترل می‌شود، ایشان ریسک‌گریزتر بوده، بنابراین، بیشتر به دینداری روی می‌آورند. او نشان می‌دهد زنانی که در خانواده‌های پدرسالار زندگی می‌کنند، نسبت به مردان این خانواده‌ها ریسک‌گریزتر هستند و با فرض اینکه ریسک‌گریزی و دینداری با هم رابطه دارند، پس تفاوت‌های جنسیتی در دینداری در زنان با خانواده‌های پدرسالار بیشتر از زنانی است که در خانواده‌های برابرطلب پرورش می‌یابند. همچنین، نشان می‌دهد که زنان بیش از مردان تحت تأثیر اقتدار خانواده و طبقه اجتماعی بوده،

¹ Hagan & colleagues

تحقیقی که به علل این تفاوت‌ها و همچنین تفاوت‌ها در ادیان و مذاهب پرداخته باشد، ردیابی نشد. با توجه به رویکرد نظری این تحقیق که مبتنی بر نظرات لووتال و کالت است، فرضیه‌های زیر مفروضند: ۱- دینداری در زنان بیشتر از مردان است؛ ۲- دینداری در میان ادیان و مذاهب مختلف یکسان نیست؛ ۳° زنانی که در خانواده‌های با نفوذ بیشتر پدر زندگی می‌کنند، پایبندی بیشتری به ارزش‌های دینی از خود نشان می‌دهند و دیندارترند.

روش تحقیق

این تحقیق پیمایشی ملی است با عنوان ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی ایرانیان که در سال ۱۳۸۳ با ابزار پرسشنامه و با نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای اجرا شده و داده‌های آن مبتنی بر داده‌های حاصل از پروژه بررسی ارزش‌های جهانی اینگلهارت است که با اطلاعات ارزشمند خود امکان مطالعات ملی و فراملی را فراهم آورده است. جامعه آماری این پژوهش پیمایشی، کلیه افراد بالای ۱۶ سال در ایران هستند که با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران با حجم نمونه ۲۲۷۵ اجرا شده است.

در ادامه، پس از تعاریف عملیاتی متغیرها، به توصیف جامعه آماری، توصیف تفاوت‌های جنسیتی و تحلیل این تفاوت‌ها و ارتباط آن با ساختار قدرت در خانواده با استفاده از نرم افزار SPSS خواهیم پرداخت.

تعاریف عملیاتی

متغیر دینداری: از مدل تبیین دینداری چند بعدی اینگلهارت مبنی بر ابعاد ارزش‌های دینی، اعتقادی، مشارکت در دین و پیامدهای دینی استفاده شده است. ارزش‌های دینی با دو گویه اهمیت دین با ارزش ۰ تا ۳ و اهمیت خدا با ارزش ۰ تا ۹ که به سه سطح زیاد، متوسط و پایین تبدیل شد، بعد اعتقادی حاصل ترکیب پنج گویه مشتمل بر اعتقاد به خدا،

محمود نجفی در مقاله خود با عنوان بررسی رابطه کارایی خانواده و دینداری با بحران هویت، تفاوت جنسیتی در دینداری را چنین گزارش کرده که دختران نسبت به پسران باورهای مذهبی قوی تری دارند (نجفی، ۱۳۸۵).

آزاد ارمکی در کتاب جامعه‌شناسی تغییرات فرهنگی در ایران آورده است: در اعتقادات دینی و در عواطف دینی زنان از مردان دیندارترند که البته این تفاوت اندک بوده، به رابطه معناداری منجر نمی‌شود، اما در انجام مناسک دینی فردی زنان به طور معناداری نسبت به مردان بیشتر نماز به جای می‌آورند؛ به گونه‌ای که ۸۹/۹ درصد از زنان و ۸۵/۴ درصد از مردان همیشه نماز می‌خوانند و در حالی که ۵/۵ درصد از مردان نماز نمی‌خوانند، این نسبت در زنان ۲/۷ درصد است. در نماز خواندن در مسجد - که از جمله مناسک دینی جمعی است - مردان به طور معناداری بیشتر از زنان در مسجد نماز می‌خوانند (۲۸/۶ درصد مردان در برابر ۲۱/۳ درصد زنان). همچنین، در رابطه جنسیت و عملکرد مقامات دینی در زمینه پاسخگویی مقامات دینی به مسائل مختلف نسبت زنان در تمام موارد از مردان بیشتر است. در زمینه مسائل اخلاقی و نیازهای فردی ۸۲/۶ درصد زنان و ۷۶/۴ درصد از مردان، در مسائل مربوط به زندگی خانوادگی اذعان دارند ۷۶/۵ درصد زنان و ۷۰/۹ مردان، در زمینه نیازهای معنوی مردم ۷۷/۲ درصد زنان و ۷۲/۵ درصد مردان و درباره مسائل اجتماعی کشور ۶۶/۳ درصد زنان و ۵۸/۶ درصد از مردان اذعان داشته‌اند که مقامات دینی می‌توانند به مسائل و سؤال‌های آنها پاسخگو باشند که در سطح معناداری قابل قبول و پذیرفته است (آزاد ارمکی، ۱۳۸۳: ۹۰ - ۷۰).

همچنین، سراج زاده در تحقیق خود با عنوان دین و نظم اجتماعی، بررسی رابطه دینداری با احساس انومی و کجروی به توصیف دینداری بیشتر زنان به مردان پرداخته است (سراج‌زاده، ۱۳۸۷).

همچنین، شایان ذکر است که در میان تحقیقات داخلی،

تحصیلات متوسطه، ۶۵۶ نفر (۳۲ درصد) دیپلم، ۱۴۹ نفر (۷/۳ درصد) فوق دیپلم و ۳۱۸ نفر (۱۵/۵ درصد) تحصیلات عالی دارند. همچنین، ۲۷۵ نفر (۱۲/۳ درصد) درآمد بسیار پایین دارند، ۶۹۹ نفر (۳۱/۲ درصد) درآمد پایین، ۸۸۱ نفر (۳۹/۳ درصد) درآمد متوسط، ۳۲۳ نفر (۱۴/۴ درصد) درآمد بالا و ۶۲ نفر (۲/۸ درصد) درآمد بسیار بالا دارند.

چنانکه در جدول ۱ می‌بینیم، در همه مؤلفه‌های مطرح شده تفاوت جنسیتی در دینداری به نفع زنان در سطح معناداری قابل قبول است. در ارزش‌های دینی، اعتقادات دینی، انجام مناسک دینی فردی، پیامدهای دینی، فکر کردن در باره معنای زندگی، نیایش با خدا خارج از فرایض و عبادات دینی و در اعتقاد به آرامش بخش بودن دین، زنان از مردان به طور معناداری دیندارترند. چنانکه دیدیم، در تحقیقات زیادی این یافته وجود دارد؛ از جمله در تحقیق آرگیل و بیت هالامی (۱۹۷۵)؛ بتسن، شونراد و ونیز (۱۹۹۳)؛ بیت هالامی و آرگیل (۱۹۹۷)؛ براون (۱۹۸۷)؛ فرنسیس (۱۹۹۳)؛ پالوتزیان (۱۹۹۶)؛ به نقل از لونتال، ۲۰۰۱ : ۱۳۳)؛ اینگلهارت، (۱۳۷۲ و ۱۳۸۷) به دیندارتر بودن زنان نسبت به مردان اشاره شده است و همچنین، در تحقیقات داخلی این یافته توسط ابراهیمی (۱۳۹۰)؛ نجفی (۱۳۸۵)؛ آزاد ارمکی (۱۳۸۱ و ۱۳۸۳)؛ توسلی (۱۳۸۵) و سراج زاده (۱۳۸۷) گزارش شده است. به طور کلی، می‌توان گفت در دینداری ایرانیان تفاوت جنسیتی وجود دارد و این تفاوت جنسیتی به نفع زنان است. بنابراین، فرضیه ۱ که مبنی بر دینداری بیشتر زنان نسبت به مردان است، تأیید می‌شود. تنها استثنا در مورد شرکت کردن در آیین‌های دینی است که با مختصر تفاوتی به نفع مردان است و آن هم در سطح معناداری قابل قبولی نیست و این یافته نیز مؤید تئوری لونتال است که نشان می‌دهد زنان فعالیت‌های دینی کمتری نسبت به مردان دارند.

معاد، صاحب روح بودن انسان، جهنم و بهشت با ارزش ۰ و ۱ که به سه سطح زیاد، متوسط و پایین تبدیل شد، مشارکت دینی با گویه شرکت در مراسم و آیین‌های دینی با ارزش ۰ تا ۶ که به سه سطح زیاد، متوسط و پایین تبدیل شد و انجام نمازهای روزانه با ارزش ۰ تا ۳ سنجیده شده است. همچنین، پیامدهای دینی که از ترکیب ۱۰ گویه موجه یا غیرموجه بودن مصرف مسکرات، درخواست بهره‌مند شدن از پاداش و مزایای دولتی که شامل حال فرد نشود، پرداخت نکردن کرایه وسایل نقلیه، تقلب در مالیات، گرفتن رشوه، همجنس بازی، فحشا و خود فروشی، سقط جنین، طلاق، یوتاناسیا [۱] و خودکشی، هر یک با ارزش ۰ تا ۹ سنجیده و سپس به سه سطح بالا، متوسط و پایین تبدیل شد. همچنین، اینگلهارت در بعد عواطف دینی از گویه‌های زیر استفاده می‌کند: اعتقاد به اینکه دین به فرد آرامش و نیرو می‌دهد که با یک گویه دو قسمتی آری یا خیر سنجیده شده، تفکر درباره معنا و هدف زندگی که با یک گویه صفر تا سه قسمتی سنجیده شده، هر چند وقت یک‌بار به جز نماز و خارج از فرائض و عبادات دینی با خداوند نیایش می‌کنید که با یک گویه هفت قسمتی ۰ تا ۶ سنجیده شده و سپس به سه سطح تبدیل شده است (اینگلهارت، ۱۳۸۷ : ۳۶).

متغیر نفوذ پدر در خانواده : گویه در خانه شما چه کسی بیشترین نفوذ و تأثیر را در برخورد با مسائل دارد، به کسانی که با پدر پاسخ داده باشند ۱ و به دیگر پاسخ‌ها ۰ داده شد.

یافته‌های پژوهش

مشخصات نمونه : از ۲۲۷۵ نمونه، ۱۲۴۱ نفر مرد (۵۴/۷ درصد) و ۱۰۲۶ نفر زن (۴۵/۳ درصد) هستند که از میان آنها ۱۳۴۷ نفر متأهل (۵۹/۴ درصد) و ۹۱۹ نفر مجرد (۴۰/۶ درصد) هستند. در این نمونه ۱۴۶۵ نفر شهری (۶۴/۸ درصد) و ۷۹۷ نفر (۳۵/۲ درصد) روستایی هستند. از ۲۲۷۵ نفر ۹۷ نفر (۴/۷ درصد) بیسواد، ۳۸۰ نفر (۱۸/۶ درصد) دارای تحصیلات ابتدایی، ۴۴۸ نفر (۲۱/۹ درصد)

جدول ۱ - تفاوت‌های جنسیتی در دینداری

آزمون آماری	تفاوت‌های جنسیتی	مردان	زنان	مؤلفه‌های دینداری
ارزش‌های دینی				اهمیت دین
مهم				نه چندان مهم
کاملاً بی اهمیت				
۴۳/۲۶۹ = خی دو پیرسون	۶/۴	۸۹/۵	۹۵/۹	
•Sig = 0/00	-۴/۱	۷/۵	۳/۴	
کرامرز = ۰/۱۳۹۷	-۲/۲	۲/۹	۰/۷	
•Sig = 0/00				
اهمیت خدا				زیاد
متوسط				
کم				
۵۰/۵۶۵ = خی دو پیرسون	۵/۶	۸۸/۹	۹۴/۵	
••Sig = 0/0	-۵/۴	۹/۲	۳/۸	
کرامرز = ۰/۱۵۷	-۰/۱	۱/۹	۱/۸	
••Sig = 0/0				
اعتقادات دینی				زیاد
متوسط				
کم				
۱۴/۲۸۴ = خی دو پیرسون	۲	۹۶/۲	۹۸/۲	
۱۴Sig = 0/0	-۳/۱	۴/۵	۱/۴	
کرامرز = ۰/۰۸۲۷	-۱	۱/۴	۰/۴	
۱۴Sig = 0/0				
مشارکت در				انجام نمازهای روزانه
دین				هر روز
یک یا دو بار در هفته				
یک یا دو بار در ماه				
هرگز				
۳۹/۳۷۷ = خی دو پیرسون	۸/۴	۷۱/۶	۸۰	
••Sig = 0/0	۰/۹	۸/۵	۹/۴	
کرامرز = ۰/۱۳۵۷	-۲/۹	۸/۹	۶	
••Sig = 0/0	-۵/۶	۱۱	۴/۵	
شرکت در آیین‌های دینی				زیاد
متوسط				
کم				
۱۱/۵۹۳ = خی دو پیرسون	-۰/۵	۵۳/۲	۵۲/۷	
۷۲Sig = 0/0	۲/۴	۳۵/۸	۳۸/۲	
کرامرز = ۰/۰۷۲۷	-۱/۹	۱۱/۱	۹/۲	
۷۲Sig = 0/0				
پیامدهای دینی				زیاد
متوسط				
کم				
۱۵/۷۳۱ = خی دو پیرسون	۱/۳	۹۴/۹	۹۶/۷	
•۳Sig = 0/0	-۰/۸	۳/۲	۲/۴	
کرامرز = ۰/۰۹۲۷	-۱	۱/۸	۰/۸	
•۳Sig = 0/0				
فکر کردن درباره معنای زندگی				غالباً
گاهی				
بندرت				
هرگز				
۱۲/۵۲۴ = خی دو پیرسون	۷/۱	۴۳/۹	۵۱	
۶Sig = 0/00	-۳/۶	۴۱/۸	۳۸/۲	
کرامرز = ۰/۰۷۸۷	-۲/۶	۱۱/۸	۹/۲	
۶Sig = 0/00	-۰/۹	۲/۵	۱/۶	
نیایش با خدا خارج از فرایض و عبادات				زیاد
دینی				متوسط
کم				
۲۷/۷۰۴ = خی دو پیرسون	۸/۵	۷۲/۵	۸۱	
•Sig = 0/00	-۲/۳	۱۱/۲	۸/۹	
کرامرز = ۰/۱۰۸۷	-۶/۳	۱۶/۴	۱۰/۱	
•Sig = 0/00				
آرامش بخش بودن دین				بله
خیر				
۱۱/۴۹۴ = خی دو پیرسون	۳/۵	۹۲/۹	۹۶/۴	
۱Sig = 0/00	-۵/۳	۷/۱	۳/۶	
فی = ۰/۰۷۶				
۱Sig = 0/00				

تأثیرات متفاوت جنسیتی را میان مسیحیان، مسلمانان و یهودیان باید انتظار داشت، تأیید می‌شود. لوونتال مدعی است که زنان نسبت به مردان کمتر در فعالیت‌های مذهبی شرکت می‌کنند که این یافته در مورد شیعه و سنی تأیید و در مورد مسیحیان رد می‌شود. همچنین، او نشان می‌دهد که زنان مسلمان دینداری کمتری نسبت به مردان مسلمان دارند که طبق یافته‌های این پژوهش این بخش از ادعای لوونتال در ایران پذیرفته شدنی نیست.

چنانکه در جدول ۲ می‌بینیم، تفاوت‌های جنسیتی در میان شیعیان، سنیان و مسیحیان ایرانی یکسان نیست. این تفاوت در سنی‌ها بیش از شیعه‌هاست و در هر دو به نفع زنان است و در مسیحی‌ها تفاوت جنسیتی وجود ندارد. این یافته تا حدودی مشابه تحقیق لوونتال است که نشان می‌دهد تفاوت جنسیتی بسته به فرهنگ دینی متفاوت است و یکسان نیست. بنابراین، فرضیه دوم که بر اساس تئوری لوونتال مدعی است تفاوت جنسیتی در دینداری بسته به سنت‌ها و فرهنگ هر دین متفاوت است و اینکه

جدول ۲- تفاوت‌های جنسیتی در ادیان و مذاهب

مؤلفه‌های دینداری		شیعه		سنی		مسیحی	
		مردان	زنان	مردان	زنان	مردان	زنان
		تفاوت‌های جنسیتی		تفاوت‌های جنسیتی		تفاوت‌های جنسیتی	
ارزش‌های دینی	اهمیت دین	۹۱/۶	۹۵/۲	۸۶/۶	۹۴/۲	۱۰۰	۱۰۰
	اهمیت دین	۹۰/۴	۹۱/۵	۸۲/۶	۹۲/۲	۱۰۰	۱۰۰
	خدا	۸/۱	۲/۷	۱۵/۹	۷/۹	-	-
اعتقادات دینی	زیاد	۹۷/۲	۹۸/۳	۹۱/۹	۹۷/۹	۱۰۰	۱۰۰
	متوسط	۱/۹	۱/۴	۴/۸	۰	-	-
مشارکت در دین	هر روز	۷۴/۳	۸۱/۲	۵۸/۲	۷۲	۱۰۰	۱۰۰
	یک یا دو بار در هفته	۸/۱	۸/۶	۱۷/۹	۲۴	-	-
	شرکت در آیین‌های دینی	۵۵/۷	۵۲/۷	۶۳/۷	۵۸/۸	۱۰۰	۱۰۰
	متوسط	۳۶/۹	۳۸/۸	۲۶/۱	۲۷/۵	-	-
پیامدهای دینی	زیاد	۹۵/۱	۹۶/۸	۹۷/۸	۹۴/۶	۱۰۰	۱۰۰
	متوسط	۳/۲	۲/۳	۲/۲	۵/۴	۰	۰
فکر کردن درباره معنای زندگی	غالباً	۴۳/۶	۵۰/۷	۴۲/۹	۴۷/۵	-	۵۰
	گاهی	۴۲/۱	۳۸/۳	۴۲/۹	۴۲/۵	-	۵۰
نیایش با خدا خارج از فرایض و عبادات دینی	زیاد	۷۳/۲	۸۰/۷	۷۳/۹	۸۴	۱۰۰	۱۰۰
	متوسط	۱۱/۳	۹	۱۲/۳	۸	-	-
آرامش بخش بودن دین	بله	۹۵/۱	۹۶/۵	۸۴	۹۵/۵	۱۰۰	۱۰۰

می‌آوردند. چنانکه در جدول ۳ می‌بینیم، هیچ کدام از آزمون‌های آماری مربوط به این فرضیه قابل قبول نیست، بنابراین، توجه دینداری زنان بر اساس تیپ خانواده پدرسالارانه یا برابر طلب رد می‌شود و فرضیه ۳ که بر

گفتیم که کالت تفاوت‌های جنسیتی را با توجه به ساختار قدرت در خانواده تبیین می‌کند و معتقد است دخترانی که در خانواده‌های پدر سالار رشد کرده‌اند، ریسک گریزتر بوده، بنابراین، بیشتر به دین روی

گزارش شده است (آزادارمکی، ۱۳۸۹) نفی این رابطه می‌تواند پذیرش ساختارهای جدید در خانواده و در عین حال، امکان حفظ تمایلات دینی را نشان دهد و لزوماً پذیرش موقعیت‌های برابرطلبانه در خانواده با کاهش دینداری همراه نیست.

اساس تئوری کالت مدعی بود زنانی که در خانواده‌های با نفوذ پدر هستند، دینداری بیشتری دارند، رد شده، قابل قبول نیست. این یافته در جامعه شناسی می‌تواند یافته مهمی تلقی شود، چرا که در دوران معاصر که در غالب جوامع عمدتاً ساختار قدرت به سمت برابرطلبی پیش می‌رود (اینگلهارت، ۱۳۷۲) و چنین وضعیتی در ایران نیز

جدول ۳- درصد دینداری زنان بر حسب نفوذ پدر در خانواده

آزمون آماری	نفوذ بیشتر پدر		مؤلفه‌های دینداری	
	خیر	آری		
خی دو پرسون Sig = 0/۳۸۷ V کرامرز = ۰/۰۵۵ Sig = 0/۳۸۷	۷۹/۱	۸۱/۹	بسیار مهم حدوداً مهم	اهمیت دین
خی دو پرسون Sig = 0/۱۴ V کرامرز = ۰/۰۹۵ Sig = 0/۱۴	۴/۷	۲/۷	نه چندان مهم کاملاً بی اهمیت	اهمیت خدا
خی دو پرسون Sig = 0/۱۴ V کرامرز = ۰/۰۸۲ Sig = 0/0۱۴	۹۵	۹۲/۹	زیاد متوسط کم	اعتقادات دینی
خی دو پرسون Sig = 0/۲۸۵ V کرامرز = ۰/۰۶۳ Sig = 0/۲۸۵	۹۷/۹	۹۸/۲	زیاد متوسط کم	مشارکت در دین
خی دو پرسون Sig = 0/۸۶۴ V کرامرز = ۰/۰۵۱ Sig = 0/۸۶۴	۱۵/۵	۱۴/۷	هر روز یک یا دو بار در هفته یک یا دو بار در ماه هرگز	انجام نمازهای روزانه
خی دو پرسون Sig = 0/۸۶۴ V کرامرز = ۰/۰۵۱ Sig = 0/۸۶۴	۵۰/۲	۵۴	زیاد متوسط کم	شرکت در آیین های دینی
خی دو پرسون Sig = 0/۲۲۷ V کرامرز = ۰/۰۷۶ Sig = 0/۲۲۷	۸/۴	۹/۱	زیاد متوسط کم	بیامدهای دینی
خی دو پرسون Sig = 0/0۶۸ V کرامرز = ۰/۰۸۹ Sig = 0/0۶۸	۹۵/۵	۹۵/۶	غالباً گاهی	فکر کردن در باره معنای زندگی
خی دو پرسون Sig = 0/0۷ V کرامرز = ۰/۱۱۱ Sig = 0/0۷	۳	۱/۹	بندرت هرگز	نیایش با خدا خارج از فرایض و عبادات دینی
خی دو پرسون Sig = 0/۸۵۴ V کرامرز = ۰/۰۰۶ Sig = 0/۸۵۴	۷۶/۲	۸۴	زیاد متوسط کم	آرامش بخش بودن دین
	۱۰/۹	۷/۷	بله خیر	
	۱۲/۹	۸/۴		
	۹۶/۱	۹۶/۴		
	۲/۹	۳/۶		

بحث و نتیجه‌گیری

اگرچه نقش دین و تأثیر آن در زندگی انسان‌ها همواره مورد توجه صاحب‌نظران این حوزه بوده، اما در میان این تحقیقات، بررسی تفاوت‌های جنسیتی، علل آن و عوامل مؤثر بر آن معمولاً مغفول مانده است و گاهی یافته‌های متناقض نیز در تحقیقات انجام شده به چشم می‌خورد. تحقیقات انجام شده در این زمینه، غالباً نشان از دینداری بودن زنان از مردان در برپاداشتن عبادات، فعالیت‌های مذهبی و اعتقادات دینی دارد. در بیان علل این تفاوت‌ها نیز عقاید متفاوت است: برخی آن را به جایگاه ساختاری، برخی به جهت‌گیری‌های جنسیتی، برخی به جامعه‌پذیری جنسیتی، برخی به تفاوت‌های شخصی و برخی به تئوری ریسک‌گریزی نسبت می‌دهند. بنابراین، به سبب اهمیت موضوع و تأثیر دینداری بر زوایای مختلف زندگی انسان‌ها، همچنین، تحقیقات مختصر با یافته‌های متناقض و متفاوت، بررسی جنسیتی این تفاوت‌ها حایز اهمیت و پاسخ به سؤال‌های اساسی این تحقیق ضروری است که آیا در جامعه ما دینداری در میان زنان و مردان یکسان است یا در این زمینه تفاوت‌هایی وجود دارد؟ آیا بررسی میان مذاهب و ادیان این یافته‌ها را تأیید می‌کند؟ آیا ساختار قدرت در خانواده می‌تواند دینداری بیشتر زنان را تبیین کند؟ که ما در این مقاله به آن پرداخته‌ایم.

علی‌رغم تحقیقات مختلف که نشان دهنده دینداری بودن زنان نسبت به مردان در برپاداشتن عبادات، فعالیت‌های مذهبی و اعتقادات دینی دارد، لوونتال معتقد است اگرچه زنان به طور کلی از مردان دیندارترند، این تفاوت‌ها بسته به فرهنگ و سنت هر دین متفاوت است. او معتقد است سنت‌های مذهبی در هر دین یا مذهب، میان زنان و مردان در تعهدات و وظایف دینی مانند نماز خواندن و ... تفاوت‌هایی ایجاد می‌کند؛ آنچنان که مثلاً اسلام و یهود در برخی از جنبه‌ها تعهدات دینی کمتری

برای زنان نسبت به مردان قائل‌اند. برای مثال، یهود به نماز گزاردن زنان با جماعت تأکیدی ندارد و زنان مسلمانان در دوران قاعدگی^۱ خود نمی‌توانند به مسجد داخل شوند. بنابراین، انتظار می‌رود زنان در این ادیان به مکان عبادت خود توجه کمتری داشته باشند و در برخی فعالیت‌های مذهبی، زنان یهود و مسلمان ممکن است کمتر از مردان ظاهر شوند. بر خلاف ایشان، در نمونه‌های مورد مطالعه در مسیحیان و هندوها زنان فعالیت‌های دینی بیشتری نسبت به مردان دارند. زنان هندو بیش از مردان به بیشتر بودن معابد اعتقاد دارند و احتمالاً مردان مسلمان و یهودی فعالیت‌های دینی بیشتری از زنان دارند و این امر در میان مسیحیان و هندوها برعکس است. به گفته لوونتال، این تفاوت‌ها ما را هدایت می‌کند به اینکه تأثیرات متفاوت جنسیتی را میان مسیحیان، مسلمانان و یهودیان انتظار داشته باشیم. لوونتال از بررسی تجربی خود نتیجه می‌گیرد اگرچه به طور کلی زنان از مردان دیندارترند، اما فعالیت‌های دینی کمتری نسبت به مردان دارند، در مسیحی‌ها زنان از مردان دیندارترند و در هندوها، مسلمانان و یهودیان مردان از زنان دیندارترند. لوونتال این تفاوت‌ها را به سنت‌ها و هنجارهای فرهنگی این ادیان ربط می‌دهد و بنابراین، دیندار بودن زنان نسبت به مردان را به عنوان یک قاعده کلی نفی می‌کند (لوونتال، ۲۰۰۱).

در بیان علت این تفاوت‌ها نیز میلر و استارک معتقدند این تفاوت جنسیتی منشأ فیزیولوژیک داشته، ناشی از اولویت ریسک است. بر این اساس، میلر و استارک نشان می‌دهند که مردان به خاطر اولویت ریسک خود بیشتر به رفتارهای با ریسک بالا روی می‌آورند و بنابراین زنان بخاطر ریسک‌گریزی‌شان که فیزیولوژیک است بیشتر

¹ Menstruation

² Loewenthal

دینداری، تفاوت جنسیتی به نفع زنان در سطح معنادار قابل قبول است. در ارزش‌های دینی، اعتقادات دینی، انجام مناسک دینی فردی، پیامدهای دینی، فکر کردن درباره معنای زندگی، نیایش با خدا خارج از فرایض و عبادات دینی و در اعتقاد به آرامش بخش بودن دین، زنان از مردان به طور معناداری دیندارترند. چنانکه دیدیم، در تحقیقات زیادی این یافته وجود دارد؛ از جمله در تحقیق آرگیل و بیت هالامی (۱۹۷۵)؛ بتسن، شونراد و ونتیز (۱۹۹۳)؛ بیت هالامی و آرگیل (۱۹۹۷)؛ براون (۱۹۸۷)؛ فرنسیس (۱۹۹۳)؛ پالوتزیان (۱۹۹۶)؛ به نقل از لوونتال، ۲۰۰۱: ۱۳۳)؛ اینگلهارت (۱۳۷۲ و ۱۳۸۷) به دیندارتر بودن زنان نسبت به مردان اشاره شده است و همچنین، در تحقیقات داخلی این یافته توسط ابراهیمی (۱۳۹۰)؛ نجفی (۱۳۸۵)؛ آزادارمکی (۱۳۸۱ و ۱۳۸۳)؛ توسلی (۱۳۸۵) و سراج‌زاده (۱۳۸۷) گزارش شده است. به طور کلی، می‌توان گفت در دینداری ایرانیان تفاوت جنسیتی وجود دارد و این تفاوت جنسیتی به نفع زنان است. بنابراین، فرضیه اول که مبنی بر دینداری بیشتر زنان نسبت به مردان است، تأیید می‌شود. تنها استثنا در مورد شرکت کردن در آیین‌های دینی است که با مختصر تفاوتی به نفع مردان است و آن هم در سطح معناداری قابل قبولی نیست و این یافته نیز مؤید تئوری لوونتال است که نشان می‌دهد زنان فعالیت‌های دینی کمتری نسبت به مردان دارند.

همچنین، دیدیم تفاوت‌های جنسیتی در میان شیعه‌ها، سنی‌ها و مسیحیان ایرانی یکسان نیست. این تفاوت در سنی‌ها بیش از شیعه‌هاست و در هر دو به نفع زنان است و در مسیحی‌ها تفاوت جنسیتی وجود ندارد. این یافته مشابه تحقیق لوونتال است که نشان می‌دهد تفاوت جنسیتی بسته به فرهنگ دینی متفاوت است و یکسان نیست. بنابراین، فرضیه دوم که بر اساس تئوری لوونتال مدعی است، تفاوت جنسیتی در دینداری بسته به سنت‌ها

دیندارند. کالت با بسط تئوری کنترل^۵ قدرت هاگان و کالگوس و پذیرفتن اولویت ریسک میلر و استارک معتقد است که این تفاوت‌ها منشأ اجتماعی داشته؛ بدین شیوه تفاوت جنسیتی در دینداری را به ساختار قدرت در خانواده مربوط دانسته و آن را تبیین کرده است. به نظر او در زمینه پدرسالاری پسران به احتمال زیاد با تشویق به رفتارهای پرخطر، بیشتر متمایل می‌شوند و دخترها با محدودیت به سمت کنترل رفتارهای پرخطر و در خانواده‌های برابرطلب این اختلاف جنسیتی کمتر وجود دارد. مطابق این تئوری خانواده‌های پدرسالار یا برابرطلب با رفتارهای متفاوت، موجب جامعه‌پذیری جنسیتی متفاوت در کودکی شده که تا بزرگسالی ادامه می‌یابد و از آنجا که رفتار دختران در خانواده‌های پدرسالار بیش از خانواده‌های برابرطلب کنترل می‌شود، ایشان ریسک‌گریزتر بوده و بنابراین، بیشتر به دینداری روی می‌آورند.

با توجه به رویکرد نظری این تحقیق که مبتنی بر نظرات لوونتال و کالت است، فرضیه‌های تحقیق که عبارت بودند از: دینداری در زنان بیشتر از مردان است، دینداری در میان ادیان و مذاهب مختلف یکسان نیست، زنانی که در خانواده‌های با نفوذ بیشتر پدر زندگی می‌کنند، پایبندی بیشتری به ارزش‌های دینی از خود نشان می‌دهند و دیندارترند، در این مقاله آزمون شدند. این تحقیق پیمایشی ملی است که با ابزار پرسشنامه و نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای اجرا شده است و داده‌های آن مبتنی بر داده‌های حاصل از پروژه بررسی ارزش‌های جهانی است. جامعه آماری این پژوهش پیمایشی کلیه افراد بالای ۱۶ سال در ایران هستند که با استفاده از فرمول کوکران با حجم نمونه ۲۲۷۵ انجام شده است.

چنانکه دیدیم، در همه مؤلفه‌های مطرح شده

و فرهنگ هر دین متفاوت است و اینکه تأثیرات متفاوت جنسیتی را میان مسیحیان، مسلمانان و یهودیان باید انتظار داشت تأیید می‌شود. لوونتال مدعی است که زنان نسبت به مردان کمتر در فعالیت‌های مذهبی شرکت می‌کنند که این یافته در مورد شیعه و سنی تأیید و در مورد مسیحیان رد می‌شود. همچنین، او نشان می‌دهد که زنان مسلمان دینداری کمتری نسبت به مردان مسلمان دارند که طبق یافته‌های این پژوهش این بخش از ادعای لوونتال در ایران پذیرفته شدنی نیست.

گفتیم که کالت تفاوت‌های جنسیتی را با توجه به ساختار قدرت در خانواده تبیین می‌کند و معتقد است دخترانی که در خانواده‌های پدر سالار رشد کرده‌اند، ریسک گریزتر بوده و بنابراین، بیشتر به دین روی می‌آوردند، اما چنانکه در این پژوهش دیدیم، هیچ کدام از آزمون‌های آماری مربوط به این فرضیه قابل قبول نیست. بنابراین، توجیه دینداری زنان بر اساس تیپ خانواده پدرسالارانه یا برابر طلب رد می‌شود و فرضیه سوم که بر اساس تئوری کالت مدعی بود زنانی که در خانواده‌های با نفوذ پدر هستند، دینداری بیشتری دارند، رد شده، قابل قبول نیست. این یافته در جامعه‌شناسی می‌تواند یافته مهمی تلقی شود؛ چرا که در دوران معاصر که در غالب جوامع عمدتاً ساختار قدرت به سمت برابری پیش می‌رود (اینگلهارت، ۱۳۷۲) و چنین وضعیتی در ایران نیز گزارش شده است (آزادارمکی، ۱۳۸۹). نفی این رابطه می‌تواند پذیرش ساختارهای جدید در خانواده و در عین حال، امکان حفظ تمایلات دینی را نشان دهد و لزوماً پذیرش موقعیت‌های برابرطلبانه در خانواده با کاهش دینداری همراه نیست.

در بررسی‌های جنسیتی در شرایطی که بیشتر محققان با تکیه بر اینکه زنان به سبب پیش زمینه نامناسب اجتماعی مورد تبعیض واقع شده و در برخی مؤلفه‌های

اجتماعی با مردان متفاوتند و این تبعیض جنسیتی به نفع مردان است، وجود تحقیقاتی مانند تحقیق حاضر که نشان می‌دهد تفاوت‌های جنسیتی به نفع زنان است و آگاهی به این تفاوت‌ها می‌تواند به عنوان عاملی در تقویت زنان به حساب آید. در این تحقیق دیدیم که زنان از مردان دیندارترند یا در پژوهش‌های دیگر یافتیم که سلامت اجتماعی زنان بالاتر از مردان است (مدیری، ۱۳۹۱). یا رفاه ذهنی در زنان بالاتر از مردان است (مدیری، ۱۳۹۲) با توجه به نقش محوری زنان در خانواده و جامعه، آگاهی از چنین توانایی‌هایی می‌تواند به ایشان در ایفای نقش‌های خانوادگی و اجتماعی مدد رساند و به ارتقای سطح زندگی ایشان منجر شده، امکان پرورش نسلی غنی‌تر را فراهم می‌آورد. با توجه به اینکه اطلاعات این مقاله منحصرأ برای چنین پژوهشی فراهم نشده بود و اهداف متعددی در برداشت و با توجه به اهمیت موضوع بررسی کمی و کیفی تفاوت‌های جنسیتی در دینداری، مقایسه مذاهب با یکدیگر، علل این تفاوت‌ها، عوامل مؤثر بر آن پیشنهاد می‌شود.

پی‌نوشت

[۱] کشتن از سر ترحم

منابع

- ابراهیمی، قربانعلی. (۱۳۹۰). *دین و بزهکاری جوانان*، ir
www.pajohe. مورخ ۱۳۹۰/۷/۲۳
- آزادارمکی، تقی و غیاثوند، احمد. (۱۳۸۳). *جامعه‌شناسی تغییرات فرهنگی در ایران*، تهران: آن.
- _____ . (۱۳۸۱). «تحلیل جامعه‌شناختی وضعیت دینداری جوانان با رویکرد بی‌شکلی دین‌ورزی»، *پژوهشنامه ادبیات و علوم انسانی*، ش ۳۵، ص ۱۱۳ ° ۱۴۸.

- آزاد ارمکی، تقی؛ مدیری، فاطمه و وکیلی، عارف. (۱۳۸۹). «فروپاشی یا تغییرات بنیادی با بررسی نقش آموزش عمومی همگانی در بهبود وضع موجود»، مجله خانواده و پژوهش، سال هفتم، ش ۱، ص ۶۳-۸۴. آزاد ارمکی، تقی و مدیری، فاطمه. (۱۳۹۰). «رابطه نگرش‌های اخلاقی و مذهبی ایرانیان»، دین و ارتباطات، ش ۳۵. اینگلهارت، رونالد. (۱۳۷۲). تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، مریم وتر، تهران: کویر. اینگلهارت، رونالد و نوریس، پیپا. (۱۳۸۷). مقدس و عرفی: دین و سیاست در جهان، مریم وتر، تهران: کویر. توسلی، غلامعباس و مرشدی، ابوالفضل. (۱۳۸۵). «بررسی سطح دینداری و گرایش‌های دینی دانشجویان (مطالعه موردی دانشگاه صنعتی امیر کبیر)»، جامعه شناسی ایران، دوره هفتم، ش ۴، ص ۹۶-۱۱۸. خدایاری فرد، محمد؛ شهابی، روح الله و اکبری زردخانه، سعید. (۱۳۸۶). «رابطه نگرش مذهبی با رضایت‌مندی زناشویی در دانشجویان متأهل»، خانواده پژوهی، سال سوم، ش ۱۰، ص ۶۱۱-۶۲۰. سراج زاده، سید حسن و پویافر، محمدرضا. (۱۳۸۷). «دین و نظم اجتماعی، بررسی رابطه دینداری با احساس آنومی و کجروی»، مسائل اجتماعی ایران، سال ۱۶، ش ۶۳، ص ۷۱-۱۰۵. مدیری، فاطمه و آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۹۲). «سعادت ذهنی به مثابه توسعه انسانی»، نامه علوم اجتماعی، پذیرش شده. مدیری، فاطمه؛ سفیری، خدیجه و منصوریان، فاطمه. (۱۳۹۱). «بررسی عوامل مؤثر بر سلامت اجتماعی»، همایش بین‌المللی نقش زن در سلامت خانواده و اجتماع، دانشگاه الزهراء، مورخ ۱۳۹۱/۲/۲۰. نجفی، محمود؛ احدی، حسن و دلاور، علی. (۱۳۸۵). «بررسی رابطه کارایی خانواده و دینداری با بحران هویت»، دانشور رفتار، سال ۱۳، ش ۱۶، ص ۱۷-۲۶. Banaszak, Lee Ann, (2006), The Gendering State and Citizens Attitudes toward Women Roles : State Policy, Employment and Religion in Germany, Politics & Gender (2) : 29-55 Collet, Jessica, L. Lizardo Omar, (2002) A Power control Theory of gender and Religiosity, online database at <http://www.icpsr.umich.edu> Ghazal, R.J. (2003) "The Sources of Gender Role Attitudes among Christian and Muslim Arab-American Women", *Sociology of Religion*, 64(2):207-222 Halman, L. Pettersson, T. & Verweij, J. (1999) "The Religious Factor in Contemporary Society", *International Journal of Comparative Sociology*, 40 (1): 141-160 Loewenthal, Kate Mariam, Macleod, Andrew K, Cinnirella, Marco, (2001) Are women more religious than men? Gender differences in religious activity among different religious groups in the UK, personality and individual differences, 32 : 139-133 Miller, Alan, Stark, Rodney, (2002) "Gender and Religiousness : Can Socialization Explanations be Saved?" *American Journal of Sociology*, 107 : 1399 - 1423 Scheepers, Peer, (2002) "Education, Religiosity and

- Sociology*, 112 : 838 ° 880
- Voicu, Malina, (2009) "Religion and Gender across Europe", *Social Compass*, 56 (2), 144 ° 162
- Cartney , Kristin MC, Hetrick Kate, (2002) Religiosity and Gender : Nature or Nurture ? submitted in May 28 , 2002
- Moral Attitudes : Explaining Cross-National Effect Differences", *Sociology of Religion*, 63(2) : 157-176
- Sullins , D. Paul , (2006) "Gender and Religion : Deconstructing Universality , Constructing Complexity" , *American Journal of*

